

مرد تنهای شب!

از اجلاس معروف «گوادلوپ» با حضور جیمی کارتر و جیمز کالاهان و ژنرال دستان و هلموت اشمیت در دی ماه ۵۷ که در اوج بحران در ایران و بمنظور مهار انقلاب اسلامی، در کارائیب تشکیل شد و خروجی‌اش توصیه و بلکه امریه به محمدرضا شاه جهت خروج از کشور و روی کار آمدن یک دولت نظامی بود، تا اجلاس ماه آینده لهستان که با خاصه خرجی واشنگتن و میزبانی ورشو قرار است برخورد با ایران را در دستور کار خود قرار دهد بین این دو اجلاس بیش از ۴۰ سال تأخیر توأم با تفاوت قابل ملاحظه است.

بقول هگل تاریخ دوبار تکرار می‌شود بار نخست بصورت تراژدی و بار دوم بصورت کمدی! بر این منوال هر اندازه گوادلوپ توانست تراژدی سقوط پهلوی را تسریع کند اکنون و با «نگاه هگلی» اجلاس لهستان را نیز تنها می‌توان تکرار کُمیک تاریخ محسوب کرد.

کُمیک بودن اجلاس لهستان ناظر بر این واقعیت است که برخلاف گوادلوپ که واشنگتن در آن تاریخ از رهبری بلامنازع جهان غرب در کنار متابعت ماکسیمم متحدینش برخوردار بود اکنون ترامپ در موقعیتی قرار است وارितه لهستان را معرکه گردانی کند که بصورت فردی چه در عرصه بین‌المللی و چه در داخل ساختار قدرت ایالات متحده در انزوای کامل قرار گرفته و لکوموتیورانی را می‌ماند که بر روی ریل فاقد واگن مانده.

مشکل ترامپ آن است که سیاست خارجی‌اش تابع سیاست داخلی و آشفته اش شده و در حالی که در درون ساختار بوروکراتیک آمریکا بخصوص در وزارت خارجه و CIA از کمترین اقتدار و متابعت برخوردار است، ناگزیر عرصه سیاست خارجی آمریکا را به یک شووآف بمنظور اخذ باج از رقبای داخلی‌اش مُمیدل کرده.

بر همین منوال اجلاس لهستان را می‌بایست قرینه‌ای از تصمیم خلق الساعه‌اش جهت بازگرداندن ارتش آمریکا از سوریه فهم و تلقی کرد که انگیزه هر دو پرخاشگری و واکنش در مقابل فشار ساختار نهادینه شده باندهای قدرت در کریدورهای بوروکراتیک داخل ایالات متحده اعم از وزارت خارجه و پنتاگون و CIA نسبت به تصمیمات ترامپ می‌باشد.

واریته لهستان یک کمدی سیاسی است که در دورترین نقطه قابل دسترس از وزارت خارجه آمریکا پیش بینی شده تا از آن طریق ترامپ از سوئی دل‌نگرانی تل‌آویو و ریاض بابت خروج عجلانه‌اش از سوریه را تشفی دهد و از جانب دیگر باندهای قدرت متابعت ناپذیر در وزارت خارجه آمریکا و CIA را با این شیوه به چالش بکشد.

مشکل ترامپ آن است که ساختار قدرت نهادینه شده و بوروکراتیک گلوبالیست‌های آمریکائی وی را طفلی ناخواسته و بلکه حرامزاده در هرم قدرت محسوب می‌کنند. نگاهی که بصورت قهری ستیزندگی را به این «مرد تنهای شب» مشق کرده تا لج بازانه چالش سیاسی با رقیبان‌ش در آمریکا را بمنظور «رو کم کنی» به «چیکن گیمی» جنون‌آمیز مبدل کرده است! (*)

* - بازی جوجه یا Chicken Game در «تئوری بازیها» و دنیای سیاست کنایه از ماراتنی است که طی آن دو راننده در یک مسیر متقابل با سرعتی زیاد بسمت یکدیگر حرکت می‌کنند و بازنده کسی است که در آخرین لحظه خودروی خود را از مسیر تصادم و تقابل کنار بکشد.

#داریوش_سجادی

#ترامپ

#گوادلوپ

#اجلاس_لهستان

#چیکن_گیم